

# پایگاه اطلاعات علمی ایران



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع

**تغلیظ دیه در حقوق کیفری ایران**

استاد راهنما

**دکتر کیومرث کلانتری**

استاد مشاور

**دکتر سید ابراهیم قدسی**

دانشجو

**حامد قدمی**

**مرداد ۱۳۹۰**

## تقدیر و تشکر :

بدین وسیله از زحمات تمامی اساتید محترم رشته حقوق که در طول دوره تحصیل در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در خدمت ایشان بوده ام و دانسته های ناچیز خویش در علم حقوق را مدیون زحمات این بزرگواران می دانم و از جناب آقای دکتر کیو مرث کلانتری، استاد راهنما و جناب آقای دکتر سید ابراهیم قدسی استاد مشاور که در نگارش این پایان نامه بنده را از ارشاد و مساعدت های مشفقانه خویش بهره مند ساخته اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به :

تقدیم به پدر و مادرم آنان که توانشان رفت تا من به توانی برسم و موهایشان  
سپید گشت تا رویم سفید بماند. آنان که فروغ نگاهشان و گرمی کلامشان سرمایه های  
جاودانه زندگی من است. آنان که راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت. در برابر  
وجود گرامی آنان زانوی ادب بر زمین می نهم و با دلی مملو از عشق، محبت و خضوع بر  
دستشان بوسه می زنم

و تقدیم به برادران عزیزم که همواره در طول تحصیل مشوقم بوده اند.

## چکیده

جنگ، نزاع، قتل، از پدیده‌هایی هستند که بشر همواره شاهد آن بوده است و برای بازداشتن افراد از تعدی به حقوق یک دیگر تا به امروز تدابیر مختلفی پیش بینی کرده است. یکی از این راهکارها پرداخت دیه از سوی جانی به اولیای دم مقتول می باشد اما در شریعت اسلام کسی که در ماه‌های حرام و یا در حرم مکه موجب قتل دیگران گردد علاوه بر دیه کامل می بایست ثلث دیه را نیز بدان بیافزاید. حال در این مورد این سوال به ذهن می‌رسد که آیا ماهیت این ثلث دیه در مقام اعمال مجازات هاتکین حرمت این ایام است یا خیر؟ آیا اگر فردی مرتکب قتل غیر عمدی گردد نیز باید ثلث دیه را پردازد؟ حال چنانچه عاقله مسئول پرداخت دیه باشد آیا او هم باید دیه بیشتری پردازد؟ قانون مجازات اسلامی نیز بدون اینکه با وضع موادی صریح و غیر مبهم به این مسأله پردازد با وضع تنهائیک ماده به مانند روایات وارده با همان اطلاق پرداخته و موجبات اختلاف میان حقوقدانان را در این زمینه فراهم آورده است. لذا در این پژوهش بعد از بیان کلیاتی در مورد دیه و بررسی پیشینه و ماهیت آن به شرح فلسفه تغلیظ دیه مبادرت می شود و در انتها سعی می‌شود با بیان روایات وارده و نظرات فقها و البته با توجه به اصول تفسیر قانون در موارد کیفری به شرح و بسط ماده مجمل ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی پرداخته شود. تا معین گردد که آیا تغلیظ دیه مختص جنایت عمد است یا مطلق جنایت را شامل می شود؟ آیا ایراد جراحت هم مشمول حکم تغلیظ می‌گردد؟ زمانی که مقتول مسلمان نباشد یا عاقله مسئول پرداخت دیه باشد چه؟ با توجه به موارد پاسخ داده شده به لایحه جدید قانون مجازات نیز پرداخته و سعی در شناخت نقاط ضعف و قوت آن می‌شود. مهمترین نتایج بدست آمده آن می‌باشد که تغلیظ دیه می‌بایست مختص قتل عمد گردد. تغلیظ در جراحات مادون قتل اگر چه ادله‌ای شرعی بر آن نیست اما وضع این حکم پیشنهاد می‌گردد. عاقله و بیت المال می‌بایست از پرداخت دیه مغلظ معاف گردند و سرایت حکم تغلیظ به قتل در حرم مکه به دلیل فقدان ادله وجهی ندارد.

واژگان کلیدی: تغلیظ دیه، ماههای حرام، حرم مکه، قتل.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	بخش اول: کلیات
۶	گفتار اول: تعریف دیه
۶	مبحث اول: تعریف لغوی دیه
۶	مبحث دوم: تعریف دیه از نظر فقهای مذاهب اسلامی
۶	بند اول: تعریف فقهای شیعه از دیه
۸	بند دوم: تعریف فقهای اهل سنت از دیه
۹	مبحث سوم: تعریف قانون از دیه
۱۰	گفتار دوم: پیشینه دیه
۱۰	مبحث اول: نظام دیات در جهان قبل از اسلام
۱۰	بند اول: نمودهای دیه در قوانین بابل و آشور
۱۱	بند دوم: در حقوق روم
۱۱	بند سوم: در حقوق آنگلوساکسون
۱۲	بند چهارم: نمودهای دیه نزد عرب جاهلیت
۱۲	مبحث دوم: نظام دیات در دین اسلام
۱۳	گفتار سوم: مقدار دیه
۱۴	گفتار چهارم: موارد پرداخت دیه
۱۷	گفتار پنجم: ماهیت دیه
۱۷	مبحث اول: دلایل طرفداران دیدگاه جبران خسارت بودن دیه

- مبحث دوم: دلایل طرفداران دیدگاه مجازات بودن دیه ..... ۱۸
- مبحث سوم: دیدگاه طرفداران تفکیک در ماهیت دیه ..... ۱۹
- مبحث چهارم: دیدگاه طرفداران ماهیت دوگانه دیه ..... ۲۰
- بخش دوم: مستندات و فلسفه تغلیظ دیه ..... ۲۱**
- گفتار اول: مستندات تغلیظ دیه ..... ۲۲**
- مبحث اول: تعریف تغلیظ ..... ۲۲
- مبحث دوم: مستندات تغلیظ دیه ..... ۲۳
- بند اول: روایات ..... ۲۳
- بند دوم: اجماع ..... ۲۵
- بند سوم: احتیاط ..... ۲۵
- مبحث سوم: تغلیظ دیه از نگاه فقهای مذاهب اسلامی ..... ۲۶
- بند اول: تغلیظ دیه از نگاه فقهای شیعه ..... ۲۶
- بند دوم: تغلیظ دیه از نگاه فقهای اهل سنت ..... ۲۸
- گفتار دوم: فلسفه تغلیظ دیه و بررسی ضرورت ابقا آن در عصر کنونی ..... ۳۰**
- مبحث اول: فلسفه تغلیظ دیه ..... ۳۰
- مبحث دوم: ضرورت ابقا حکم تغلیظ در عصر کنونی ..... ۴۰
- بخش سوم: موارد تغلیظ دیه ..... ۴۵**
- گفتار اول: تغلیظ دیه به اعتبار زمان ..... ۴۶**
- مبحث اول: وقوع صدمه و فوت در یک ماه ..... ۴۶
- مبحث دوم: اجتماع دو سبب تغلیظ ..... ۴۸
- مبحث سوم: تغلیظ در فاضل دیه ..... ۴۹

گفتار دوم: تغلیظ دیه به اعتبار مکان.....	۵۱
مبحث اول: تغلیظ دیه به دلیل قتل در حرم مکه.....	۵۱
مبحث دوم: صلاحیت رسیدگی به جرم قتل در مکه .....	۵۴
مبحث سوم: تغلیظ دیه نسبت به سایر زمانها و مکانها.....	۵۴
گفتار سوم: تغلیظ دیه به اعتبار نوع جنایت.....	۵۵
مبحث اول: تغلیظ دیه به اعتبار نوع جنایت از جهت عمدی یا غیر عمدی بودن.....	۵۶
مبحث دوم: تغلیظ دیه به اعتبار نوع جنایت از جهت قتل یا ضرب و جرح.....	۶۸
گفتار چهارم: تغلیظ دیه به اعتبار وضعیت فرد .....	۷۱
مبحث اول: تغلیظ دیه به اعتبار مسئول پرداخت.....	۷۲
مبحث دوم: تغلیظ دیه به اعتبار دین .....	۷۴
مبحث سوم: تغلیظ دیه به اعتبار اقارب .....	۷۷
نتیجه گیری.....	۸۰
پیشنهادها.....	۸۱
ضمائم .....	۸۲
منابع و مأخذ .....	۸۴



## لیست علائم اختصاری

ج ..... جلد

چ ..... چاپ

ص ..... صفحه

صص ..... صفحات

ه ق ..... هجری قمری

## مقدمه

### ۱- بیان مسئله

وجود جنگهای مداوم و پی در پی میان قبایل عرب قبل از اسلام، عرب جاهلیت را بر آن داشت که ماههایی از سال را به عنوان ماه های حرام اعلام کند تا مردم، فارغ از جنگ و خونریزی در امنیت کامل به سر برده و به کار و زندگی کسب و تجارت بپردازند. بعد از ظهور اسلام نیز این موضوع، همچنان مورد احترام مسلمانان قرار گرفت و به عنوان یک امر امضایی وارد اسلام شد. عدم توجه به حرمت این ماه ها و اقدام بر خلاف شئون این ایام، موجب معصیت بیشتر و در نتیجه مجازات شدیدتر بوده است. از جمله این محرمات قتل است. ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) با اشاره به ماه های حرام بیان داشته است: چنانکه صدمه و فوت در این ماه ها یا در حرم مکه معظمه واقع شود موجب تشدید مجازات(علاوه بر پرداخت دیه کامل) تا یک سوم دیه انتخابی می شود. در برخی از منابع فقهی، علت تغلیظ حکم دیه در ماههای حرام به سبب شکستن حرمت ماه های حرام دانسته شده است. یعنی اگر کسی مرتکب قتل در یکی از ماه های حرام شود یک دیه به جهت خود شخص و ثلث آنرا به جهت شکستن حرمت ماه حرام باید بپردازد.

حکم فقهی و قانونی در این مورد برگرفته از روایاتی است که وارد شده است و تنها مستند قانونی نیز همان ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی می باشد که بسیار کلی و مجمل نگاشته شده است و در رابطه با آن سؤالات متعددی به ذهن می رسد که در متن پایان نامه سعی شده است با شرح و بسط ماده به سؤالات اساسی در این مورد پاسخ مناسبی داده شود.

### ۲- سؤالات پژوهش :

- ۱- آیا ضرورتی برای حکم تغلیظ دیه در عصر کنونی به نظر می رسد؟
- ۲- آیا تغلیظ دیه در تمامی انواع قتلها جاری است یا اختصاص به قتل عمد دارد؟
- ۳- آیا حکم تغلیظ دیه را می توان به صدمات و جراحاتی که به قتل منتهی نمی شود نیز تعمیم داد؟

توضیح آنکه حکم تغلیظ دیه در بستر جعل خود یعنی سرزمین جزیره العرب دارای فلسفه تشریح مشخص و کارکرد اجتماعی ارزشمندی بوده است. و در واقع ضامن اجرایی مطمئنی برای حفظ حرمت ماههای حرام و خودداری از خونریزی و قتل در این ماه ها به شمار می آمده است. به عبارت دیگر این حکم با آن جامعه و شرایط اجتماعی حاکم بر آن کاملاً سنخیت داشته است. اما در اینجا این سؤال مطرح می شود که آیا این حکم از تغییر شرایط اجتماعی تأثیر نمی پذیرد؟ و آیا این حکم برای اجرا در همه زمان ها و مکانها جعل شده است یا خیر؟ چرا که اصولاً ماههای حرام در عرف جامعه ما امری نامأنوس و ناشناخته- اند و درصد بالایی از مردم حتی نامهای این ماهها را به خوبی نمی شناسند تا چه برسد به اینکه بدانند چنین حکمی در مورد این ماهها وجود دارد. حال به این فرض که بپذیریم حکم تغلیظ دیه در زمان ما هم جاری می شود و حرمت این ماهها بستگی به جامعه ای خاص ندارد باز این سؤال مطرح می شود که آیا این حکم را باید نسبت به انواع قتلها اعم از عمدی و غیرعمدی تسری بدهیم و بگوئیم حتی اگر شخصی بی هیچ سوء نیت قبلی در یکی از ماههای حرام در اثر غفلت و بی احتیاطی در یک تصادف رانندگی کسی را به قتل برساند باید یک سوم به دیه ای که از او دریافت می شود افزوده گردد یا اینکه نباید حکم را به همه قتلها تسری داد؟ چه آنکه افراد خصوصاً در مورد قتلهای غیرعمدی با حکمی (تغلیظ دیه) روبرو می شوند که به نظر آنان غیر مقبول و شاید غیر معقول جلوه کند زیرا ماههای حرام در زندگی کنونی مردم هیچ تأثیری ندارد و این ماهها برای آنان همانند گذشته های دور محیط عرب ماه امنیت صلح و بازگشت آرامش حساب نمی آید. امروز دیگر از جنگ های خانمان سوز قبیله ای و غارت اموال و نفوس حاجیان که توقف آنها از حکمتهای اولیه جعل این حکم توسط شارع بوده است، خبری نیست و آمدورفت ماه رجب هیچ تأثیری بر زندگی مردم شهرنشین ندارد. از همین رو اگر آنان در دادگاه محکوم به پرداخت جریمه ای سنگین به علت وقوع حادثه ای غیراختیاری در چنین ماهی شوند و این حکم را منسوب به اسلام بدانند طبیعی است تا اندازه ای آثار روحی نامطلوب به جا گذاشته چه بسا موجب تشویه چهره اسلام گردد. لذا به این دلیل شایسته است تا به صورت مبسوط این امر مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

با توجه به ضرورت بحث تغلیظ دیه بطور مبسوط مورد بحث و بررسی حقوقدانان قرار نگرفته است. به دلیل استنباط مختلف از روایات ماخذ حکم تغلیظ، اختلاف فتاوی در پرسش به سؤالات عمده این بحث زیاد است و قانون نیز به جای حل اختلاف و گزینش نظر صحیح متناسب با مقتضیات زمان و مصلحت به نگارش ماده ۲۹۹ پرداخته اما به طور مبهم و بدون اینکه به سؤالات و فروع در این رابطه پاسخ دهد.

### ۳- پژوهش های علمی انجام شده قبلی در ارتباط با پایان نامه:

زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۸۱، چاپ سوم.

مسجد سرایی، حمید، تحلیل فقهی و حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات مشهد، پاییز ۸۲، شماره ۶۱.

معرفت، محمد هادی، تغلیظ دیه و جنایت عمد در ماه حرام، مجله دادرسی، ۱۳۷۶، شماره ۵ و ۶.

### ۴- حدود پژوهش:

در حقوق کیفری ایران

### ۵- فرضیات پژوهش:

۱- وجود حکم تغلیظ دیه در عصر کنونی ضروری به نظر نمی رسد.

۲- تغلیظ دیه فقط برای مجازات قتل عمد می باشد.

۳- به دلیل بیان کلمه قتل در ماده ۲۹۹ حکم این ماده شامل صدمات و جراحات نخواهد بود.

### ۶- اهداف این پژوهش:

هدف از ارائه این پایان نامه آن است که با توجه به منابع روایی صدور حکم و بررسی نظرات فقها در این مورد و با مدنظر داشتن اصول مسلم حقوق از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، اصل براءت، قاعده درء و..... به سؤالات اساسی و فروع مختلف متصور در این بحث پرداخته و پاسخی مناسبی برای ابهام ماده مجمل ۲۹۹ بیابیم.

## ۷- خلاصه مراحل روش پژوهش:

در این پایان نامه سعی می شود با استفاده از نظرات حقوقدانان و کتب و مقالات حقوقی معتبر، مطالب جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل گردد. در نتیجه روش تحقیق، روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می باشد.

## ۸- زمانبندی اجرای پایان نامه:

- ۱- جمع آوری اطلاعات و داده (۲ماه)
- ۲- تجزیه و تحلیل (۲ماه)
- ۳- نتیجه گیری و استنتاج (۱ماه)
- ۴- تایپ، تکثیر و اصلاح (۱ماه)

## ۹- منابع:

زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، جلد اول، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۸۱، چاپ دوم.

زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۸۱، چاپ سوم.

مسجد سرایی، حمید، تحلیل فقهی حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات مشهد، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۶۱

معرفت، محمد هادی، تغلیظ دیه و جنایت عمد در ماه‌های حرام، مجله دادرسی ۱۳۷۶، شماره ۵ و ۶.

## بخش اول کلیات

## گفتار اول: تعریف دیه

در این مبحث تعریف دیه در لغت و سپس تعریف آن از نگاه فقهای مذاهب اسلامی و درانتها تعریف قانون از دیه بررسی خواهد شد.

### مبحث اول: تعریف لغوی دیه

مراد از دیه شرعاً و دیه است " و " آن حذف و " ها " به جای آن در آخر کلمه افزوده شده است. پس دیه در اصل وادی یا و دیه بوده است. این کلمه از نظر لغوی مصدری است که به معنای اسم مفعول به کار می رود. یعنی همان طور که واژه " خلق = آفرینش " به معنای " مخلوق = آفریده " به کار می رود دیه نیز که در حقیقت به معنای " ادا کردن " است به جای اسم مفعول یعنی " آنچه ادا می شود " به کار می رود. البته معنای آن خاص شده و تنها به مالی که در مقابل تلف نفس پرداخت می شود اطلاق دیه می شود. معنایی که کتب عمده لغت در زبان عربی برای دیه کرده اند عبارت است از " حق القتل " و یا " بدل النفس " که مرادف با لغت " خونبها " در زبان فارسی می شود. در لغتنامه دهخدا نیز دیه مالی است که بدل نفس مقتول به ولی او داده می شود و از باب تسمیه به مصدر است. راغب اصفهانی نیز در معجم الفاظ قرآن می - فرماید: " يقال لما يعطى في الدم دية، آنچه در خون (قتل) پرداخت می شود دیه نام دارد " <sup>۳</sup>.

### مبحث دوم: تعریف دیه از نظر فقهای مذاهب اسلامی

فقهای مذاهب مختلف اسلامی تعاریفی تقریباً مشابه از دیه را بیان کردند. حال در این مبحث به تفکیک مذاهب تعاریف موجود بررسی خواهند شد.

#### بند اول: تعریف فقهای شیعه از دیه

اکثر فقهای شیعه به ویژه گروهی از متقدمان تعریفی برای دیه ذکر نکرده اند و آن را امری بی نیاز از تعریف فرض کرده اند و شاید این به جهت وضوح معنای لغوی و عدم جعل اصطلاحی جدید برای این

<sup>۱</sup> - ادبیس، عوض احمد، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۲۵

<sup>۲</sup> - شفیعی سروستانی، ابراهیم و محمدکاظم رحمان ستایش و جلال الدین قیاسی، قانون دیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چ ۱، مرداد ۱۳۷۶، ص ۴۷

<sup>۳</sup> - صالحی، فاضل، دیه یا مجازات مالی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱۳۷۸، ص ۲۵

کلمه بوده است. اما به هر حال تنی چند از فقهای شیعه به ارائه تعریف دیه مبادرت ورزیده اند که تعاریفشان را نقل می کنیم. فاضل مقداد در کتاب التفتیح الرائع به هنگام تعریف دیات می گوید:

و آن جمع دیه به تخفیف است و تشدید آن جایز نیست و آن را دیه می نامند. چون در عوض جان پرداخته می شود.<sup>۱</sup> ایشان دقیقاً همان معنای لغوی دیه را ذکر کرده و چیزی را بر آن نیفزوده اند.

اما شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام در تعریف دیه چنین بیان داشته اند که:

دیه مالی است که به سبب جنایتی که بر انسانی آزاد وارد شده واجب می شود. خواه این جنایت نسبت به جان شخص واقع شده باشد خواه به پایین تر از این حد [اعضا] و گاه این لفظ تنها بر مقادیر معین شده [از طرف شارع] اطلاق شده است و بر سایر موارد لفظ ارش اطلاق می شود.<sup>۲</sup> مشابه این تعریف را می توان در ریاض المسائل علی بن محمد طباطبایی و منهاج المومنین آیت الله مرعشی و سایر کتب مشاهده کرد.

مرحوم صاحب جواهر در تعریف دیه چنین می گوید:

دیات جمع دیه به کسر اول و تخفیف یاء است و تشدید یاء خطاست .... در این جا مقصود مالی است که تا دیه اش بر شخص آزاد به سبب ارتکاب جنایت بر نفس یا غیر آن واجب می شود خواه مقدار و مبلغ دیه از سوی شارع معین شده باشد یا نه هر چند که دیه را معمولاً در مورد اول (یعنی نفس) به کار می برند و در مورد دوم (یعنی اعضا) اصطلاح ارش و حکومت را استعمال می کنند و این از قبیل تسمیه به مصدر است.<sup>۳</sup> امام خمینی نیز در تعریف دیه بیان می دارند: دیه مالی است که به خاطر جنایت بر نفس یا کمتر از آن بر انسان آزاد واجب می شود چه میزان آن معین باشد چه معین نباشد و چه بسا که دیه غیر معینی را ارش و حکومت نامیده و دیه معینی را دیه نام گذاری کرده اند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - حلی، مقداد بن عبدالله، التفتیح الرائع لمختصر الشرایع، ج ۴، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱، قم، ۱۴۰۴ه ق، ص ۴۶۱ «هی جمع دیه بتخفیف الیاء و لا یجوز تشدیدها و سمیت دیه لانها تودی عوضاً عن النفس»

<sup>۲</sup> - عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی التفتیح شرایط الاسلام، ج ۱۵، نشر موسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، قم، ۱۴۱۳ه ق، ص ۳۱۵ «الذیات جمع دیه و هی المال الواجب بالجنایه علی الحر فی نفس او مادنها و ربما اختصت بالمقدر بالاصل و اطلق علی غیره اسم الارش»

<sup>۳</sup> - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۳، ج ۷، بیروت، ۱۴۰۴ه ق، ص ۲

<sup>۴</sup> - خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ج ۲، نشر موسسه مطبوعات دارالعلم، ج ۱، قم، ص ۵۵۳



شاید بتوان گفت از میان فقهای متأخر تنها کسی که تعریفی متفاوت ارائه داده است. آیت الله خوئی در مبانی تکملة المنهاج می باشد که دیه را چنین تعریف کرده است:

دیه مالی است که در جنایت بر نفس یا اعضا و یا ایراد جرح و مانند اینها (از طرف شارع) مقدر و معین گردیده است.<sup>۱</sup>

تفاوتی که این تعریف با سایر تعاریف دارد این است که دیه را تنها بر مواردی اطلاق می کند مقدار آن از طرف شارع معین شده است، بر خلاف تعریف سایر فقها که به طور مطلق بر مالی که به سبب جنایت واجب می شود اطلاق "دیه" می کنند. خواه مقدار آن از طرف شارع مشخص شده و خواه مشخص نشده باشد.

#### بند دوم: تعریف فقهای اهل سنت از دیه

فقهای حنفی دیه را چنین تعریف کرده اند: «دیه مالی است که عوض نفس یا جان پرداخته می شود و آرش نام مالی است که به سبب جنایت بر اعضا واجب می شود.»

فقهای مذهب شافعی دیه را چنین تعریف کرده اند: «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا بر اعضا واجب می شود»

فقهای مذهب حنبلی دیه را چنین تعریف کرده اند: «دیه مالی است که به سبب جنایتی به معنی علیه یا ولی او پرداخته می شود.»<sup>۲</sup>

فقهای مذهب مالکی تعریف دقیقی از دیه ندارند و فقهای این مذهب غالباً بر دیه اطلاق "عقل" کرده اند و به طور کلی در کتب فقهی مالکیه، مباحث مربوط به دیات در کتابی تحت عنوان «کتاب العقول» طرح شده است.

<sup>۱</sup> - خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، تکملة المنهاج، نشر مدینه العلم، ج ۲۸، ق ۵۱۴۱۰، ص ۹۵ «هی المال المفروض فی الجنایه علی النفس او الطرف او الجرح او نحو ذلک»

<sup>۲</sup> - ادریس، عوض احمد، ترجمه دکتر علیرضا فیض، دیه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، پاییز ۱۳۷۲، ص ۲۶

در توضیح باید گفت که عقل یکی از لغات مترادف دیه است. تسمیه دیه به عقل به این دلیل بوده است که در زمان جاهلیت قاتل موظف بوده است، شتر را که به عنوان اصلی ترین اموال مردم آن روزگار بوده است در آستانه خانه ورثه مقتول آورده و آن را با ریسمانی که به آن(عقال) می گفتند ببندد. از این رو مصدر(عقل) که در اصل به معنای(بستن عقال) به دست شتر بود به تدریج بر خود(معقول) (شتر عقال شده) اطلاق گردید تا بدانجا که بر اثر کثرت استعمال این لفظ در زبان عرب به هر چه به عنوان دیه پرداخت می- گردید ولو در هم و دینار نیز(عقل) گفته می شد.<sup>۱</sup> «همچنین گفته شده است که یکی از معانی عقل منع است و دیه را عقل نامید چون مانع از خونریزی می شود»<sup>۲</sup>. چون در لسان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از دیه با عنوان عقل یاد شده است، فقهای مذاهب اسلامی به ویژه مالکیه در موارد متعددی به جای دیه از لفظ عقل استفاده کرده اند. با این وجود مفهوم دیه در نزد فقهای مالکی همان است که در کتب ذکر شده است و در ارائه مفهومی از دیه از معنای لغوی آن تجاوزی نکردند.<sup>۳</sup>

### مبحث سوم: تعریف قانون از دیه

در ماده ۱۰ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهر ماه ۱۳۶۱ آمده است:

دیات جزایی مالی است که از طرف شارع برای جرم تعیین شده است.

بعد از اصلاح این قانون به موجب ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ دیه چنین تعریف شده است:

دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.

ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف دیه آورده است: «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیا دم او داده می شود».

این تعاریف در برگیرنده نکاتی هستند که ذیلاً به آنها اشاره خواهیم کرد:

- ۱ - شفیع سروستانی، ابراهیم و محمد کاظم رحمان ستایش و جلال الدین قیاسی، قانون دیات و مقتضیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ج ۱، مرداد ۱۳۷۶، ص ۵۳
- ۲ - طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۶، نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، ج ۱، ۱۴۱۸ ه ق، ص ۳۴۳
- ۳ - شفیع سروستانی، ابراهیم و محمد کاظم رحمان ستایش و جلال الدین قیاسی، قانون دیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ج ۱، مرداد ۱۳۷۶، ص ۴۸

الف) دیه، مال است و مال هر چیزی است که دارای ارزش و مالیت باشد اطلاق کلمه مال شامل تمامی اموال می شود. اما این اطلاق به موجب مواد بعدی منصرف به مال خاص می شود که عبارت از شتر، گاو، گوسفند، حله یمنی، درهم و دینار است.

ب) مرجع تعیین دیه، شارع است. بنابراین قانونگذار خود نمی تواند نوع دیه و میزان آن را مشخص کند. این سخن البته جای تأمل دارد که در گفتار مقدار دیه به آن اشاره شده است.

ج) در هر دو ماده، جنایت، علت دیه معرفی شده است و منظور از جنایت، ایراد صدمه عمدی یا غیر عمدی بر جسم و جان دیگری است.

د) کلمه سبب در این ماده به معنای سبب اصطلاحی که در مقابل مباشر قرار دارد، نیست بلکه به معنای علت است؛ یعنی، کسی که جنایت منتسب به او باشد، مسئول پرداخت دیه است.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: پیشینه دیه

یکی از نهادهای حقوقی مورد پذیرش اسلام دیات می باشد که برای شناخت بیشتر آن لازم است پیشینه آن در میان اقوام گوناگون را مورد بررسی قرار داد.

### مبحث اول: نظام دیات در جهان قبل از اسلام

پرداخت مال در عوض ایراد جراحت و قتل در قبل از اسلام نیز سابقه‌ای دیرینه داشته که در مطالب ذیل نمودهای آن در میان ملل گوناگون بررسی می گردد.

### بند اول: نمودهای دیه در قوانین بابل و آشور

قوانین بابلی و آشوری دیه را نیز می شناختند ولی دیه نسبت به جمیع افراد جوامع بابلی و آشوری دارای میزان معین و واحدی نبود. زیرا این قوانین اصل برابری مردم در مقابل قانون را رعایت نمی کرد و از این رو مقدار دیه با اختلاف مقامی که مجنی علیه در میان جامعه و منزلتی که در میان طبقه خود داشت متفاوت می شد. برای مثال قانون حمورابی از مهمترین قوانین شمرده شده که در بابل و آشور قانون گذاری

<sup>۱</sup> - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، ج ۱، انتشارات ققنوس، ج ۱، سال ۱۳۷۸، ص ۲۳

شده است. قانون حمورابی تصریح می کند بر این که کیفر جان در برابر جان است اگر سابقه اصرار در قتل وجود داشته باشد و اگر چنان سابقه‌ای در میان نباشد زندان برای مدتی طولانی اجرا می‌گردد اما نسبت به جنایت بر اعضا اعم از ضرب و جرح و کسر در اینها قانون حمورابی میان کیفر طبقه آزادگان و طبقه بردگان فرق می‌گذارد آنچنان که قوانین کهن تفاوت می‌گذارند زیرا در این قانون هم مشاهده می‌کنیم که به اصل اجرای قصاص در مورد جرایمی که در حق طبقه آزادگان ارتکاب می‌شود تأکید دارد در حالی که نسبت به جرایم ارتكابی در مورد طبقه بردگان به نظام پرداخت دیه حکم می‌کند. قانون آشور نیز نظام دیه را در بسیاری موارد اخذ کرده و نیز کیفر بدنی را در کنار دیه مالی می‌شناخته است و اساساً منطقه بابل و آشور از قدیم ترین اعصار تاریخ تا به امروز زادگاه نظام دیه است.<sup>۱</sup>

### بند دوم: در حقوق روم

حقوق روم از قدیمی ترین و مهم ترین حقوقهای قضایی به شمار می‌آید و می‌توان از آن به عنوان منبع تاریخی بیشتر قوانین امروز غرب نام برد. در واقع حقوق روم سالهای طولانی در تدوین قانون الهام بخش حقوقدانان اروپایی بوده است. از مشهورترین قوانین رومی "قانون الواح دوازده گانه است" که جزئیاتش در پنج لوح آخر آن ذکر شده است. در حقوق روم هم قصاص از جانی را پذیرفته بودند و هم دیه را. بدین معنا شخص مورد تجاوز حق داشته یا با شخص متجاوز درباره پایان دعوا توافق کند یا در صورت عدم توافق قصاص نماید. در قانون الواح امکان صلح بین جانی و مجنی علیه و پرداخت مبلغی از سوی جانی جایز دانسته شده و این همان نظام دیات در قانون مذکور است.<sup>۲</sup>

### بند سوم: در حقوق آنگلوساکسون

اولین مجموعه قانون آنگلوساکسونها در انگلیس در قرن هفتم میلادی نوشته شد. در این مجموعه سیستم کاملی جهت جبران ضررهای بدنی بیان شده که در جامعه انگلیس به صورت یک عرف پذیرفته شده درآمده است. بنابراین مجموعه قوانین مقدار دیه نفس با توافق بین دو طرف دعوا تعیین می‌شده است یعنی

<sup>۱</sup> - ادريس، عوض احمد، ترجمه دکتر علیرضا فیض، دیه، سازمان چاپ و فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، پاییز ۱۳۷۲، ص ۵۴

<sup>۲</sup> - موسوی بجنوردی، سید محمد، نگرش جدید بر قانون دیات، مجله رهنمون، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲